

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله مباحث متفرقه ۱۳



بسم الله الرحمن الرحيم

قبل از شروع بحث لازم است به نکته ای اشاره کنیم و آن اینکه: در این مقاله در تأیید رأی بیان شده در مورد نوروز، آیات و احادیثی را ذکر کرده ایم که در سالیهای اخیر افرادی در بحث نوروز به برخی از آنها استناد جسته اند. ولی مشاهده خواهیم نمود که این آیات و احادیث نه تنها دلیلی بر صحت مذهب فاسد و اعتقاد ناصوابشان نبوده بلکه بالعکس دلایلی هستند در رد مذهب آنها.

علت این اتفاق در بعضی از دلایل مورد استناد ولی اختلاف، در نتیجه حاصله از سوی طرفین و دور شدن یا دوری نمودن از رأی صواب از سوی آنها، آن است که منهج و راه و روش اهل سنت و جماعت بر خلاف افراد مذکور بر سه اصل بنیان نهاده شده و مرجع آنها در اخذ و صدور احکام این سه اصل بوده که عبارتند از:

۱ - قرآن

۲ - سنت رسول خدا ﷺ

۳ - پیروی از فهم و دریافت سلف این امت -

علی الخصوص صحابه رضی الله عنهم - در تفسیر

آیات و احادیث.

و این رکن سوم یکی از مهمترین خصایص اهل سنت است که وی را از فرق ضال و گمراه دیگر متمایز می گرداند. چرا که هر شخص گمراه و مبتدعی می

تواند در تأیید ضلالت و گمراهی اش به نصی از نصوص قرآن و سنت استناد جسته، ولی در همان حال به تحریف و تأویل فاسد آیات و احادیث مورد استناد پردازد، برعکس اهل سنت و جماعت که تمسک جستن به اقوال و افعال صحابه رضی الله عنهم نشان بارز آن بوده و این خصلت به رکنی از ارکان روش و منهج آنها مبدل گشته است.

لازم به ذکر است که قسمت اعظم این رساله با اختصار شدید از کتاب "إقتضاء الصراط المستقیم" تألیف: شیخ الاسلام ابن تیمیة رَحِمَهُ اللهُ بِرِغْفَةٍ شده است. چنانچه شخصی به تحقیق بیشتر نیاز داشته باشد می تواند به اصل کتاب مراجعه نماید. مؤلف کتاب مذکور در تأیید رأی صواب موجود در کتاب به بیش از ۳۰ آیه از قرآن کریم، ۱۰۰ حدیث از احادیث نبوی ﷺ و اجماع صحابه رضی الله عنهم بر حکم گرامیداشت اعیاد کفار و آثار روایت شده از سلف این امت، استناد جسته است. حال پس از ذکر این مقدمه، به یاری خداوند متعال به بحث از نوروز و حکم اسلام در مورد آن می پردازیم.

نوروز و ریشه آن

نوروز اولین روز سال نزد آتش پرستان مجوسی و یکی از بزرگترین اعیاد آنهاست. گفته می شود اولین کسی که آن را جشن گرفته است یکی از پادشاهان فارس به نام جمشید بوده که جمشاد هم گفته اند.

مجوسیان در سبب نامگذاری این روز به این نام اختلاف نظر دارند. عده ای می گویند: آن روزی که طهمرت مرد و جمشید بر تخت پادشاهی نشست، را نوروز یعنی روزی جدید خواندند.

و بعضی دیگر بر این عقیده اند که نوروز آن روزی است که خداوند در آن روز نور را خلق کرده است. و بعضی دیگر گمان می کنند که آغاز زمان گردش افلاک این روز بوده است.

مدت زمان نوروز نزد آنها ۶ روز بوده که اول روز آن اولین روز از آفریدون ماه (فروردین ماه) بوده که اولین ماه سالشان است. و روز ششم را نوروز بزرگ نامیده اند؛ چرا که خسروان (پادشاهان مجوس) در پنج روز اول نیازمندیهای مردم را رفع می کردند و در روز ششم به مجالس خلوت با خواصشان می پرداختند.

از عاداتشان در این روز این بوده که شب هنگام مردی زیاروی پشت در اتاق کسری (خسرو) تا صبح منتظر می شد، و هنگام صبح بی اجازه بر پادشاه وارد می گشت، هنگامی که پادشاه وی را مشاهده می کرد به وی می گفت: کیستی؟ از کجا آمده ای؟ به کجا می روی؟ اسمت چیست؟ چرا وارد شده ای؟ همراهت کیست؟ وی هم در جواب می گفت: من پیروز هستم، اسمم فرخنده است، و از جانب خداوند آمده ام، سامان و دولتی نیک را آرزو مند، و با تبریک و شاد باش آمده ام، و سال نو را با خود به همراه آورده ام. و سپس می نشست، و پس از او مردی دیگر با سینی طلا به دست

وارد می شد که بر آن گندم، جو، گاو دانه، نخود، کنجد و سدر بود و از هر کدام هفت خوشه و دانه و مقداری هم سمنو و همچنین دینار و درهم جدید قرار می داد و آنها را جلوه پادشاه می گذاشت. سپس برای پادشاه هدایایی می آوردند و پس از آن مردم بر حسب درجات و قربتشان به حضور می رسیدند، آنگاه قرص نان بزرگی که از آن حبوبات تهیه شده بود بر مجمعه ای به حضور آورده می شد، وی هم از آن می خورد و پس از وی حاضرین از آن تناول می کردند. سپس می گفت: این روز جدیدی است، از ماهی جدید از سالی جدید و از زمانی جدید و لازم است که در آن هر چیزی نو گردد. و آنگاه بر بزرگان دولتش خلعت می پوشاند و بذل و عطا می کرد و هدایای رسیده را بر آنها تقسیم می نمود.

و از عادت مردم عوام فارس این بود که شب نوروز را آتش روشن می کردند و به آب پاشی در صبحش می پرداختند.

اعیاد مشروع و جایز در اسلام

نصوص شرعی متواتر و زیادی وجود دارند که اعیاد زمانی را در اسلام منحصرأ دو عید سالیانه فطر و قرآن و عید هفتگی روز جمعه معرفی نموده اند، و هر عیدی غیر از این سه عید، از امور احداث شده در دین بشمار می روند که رسول خدا ﷺ در احادیث زیادی به انجام دهنده آن وعید دخول به جهنم را داده است.

تشبه به کفار در اعیادشان

همچنین دلایل شرعی متواتر و زیادی موجود است که مسلمانان را از مشابهت با کفار در امور دینی آنها مخصوصاً اعیادشان نهی می کند.

دسته اول: دلایلی هستند که به طور مطلق از

هرگونه مشابهتی با کفار نهی می کند: مانند حدیث «مَنْ

تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» (هرکس خود را شبیه

قومی گرداند، از آنها خواهد بود.) رواه ابوداود

که شیخ الاسلام ابن تیمیه رَحِمَهُ اللهُ در مورد این حدیث می فرماید: [تشبه نهی شده در این حدیث هم شامل آن شخصی می شود که عمل کفار را بدان علت که آنها انجامش می دهند، انجام دهد؛ که این حالت بسیار نادر است، و هم آن کسانی را در بر می گیرد که عملی را

انجام می دهد و سپس معلوم می شود که کفار هم همانند آن را انجام می دهند، بدون آنکه هیچکدام به تقلید از دیگری پرداخته باشند.] و می فرماید: [حداقل حکمی که از این حدیث اخذ می شود تحریم تشبه به کفار است، هرچند ظاهر حدیث چنین اقتضا می کند که شخص مقلد از دایره اسلام خارج گردد.] (کتاب اقتضاء الصراط المستقیم ج ۱ ص ۲۳۷ و ۲۳۸)

دسته دوم: دلایلی اند که از تشابه در امور

بخصوصی نهی نموده اند: مانند حدیث: «جَزَؤُا

الشَّوَارِبَ وَارْخُوا اللَّحَى خَالِفُوا الْمَجُوسَ» (سیبهایتان را کوتاه کنید و ریشهایتان را ترک

گفته (کوتاه نکنید) [و] بر خلاف مجوسیان عمل نمایند. (رواه مسلم)

دسته سوم: آیات و احادیثی اند که به صراحت از تشبه به کفار در اعیادشان نهی می کنند و تقلید از آن اعیاد را تبعیت از ضلالت و گمراهی آنها معرفی می کنند. مانند آیه ۱۸ سوره جاثیه که خداوند می فرماید: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ «سپس ما تو را بر آیین و راه روشنی از دین قرار دادیم. پس از این دین پیروی مکن و بر این راه روشن برو، و از هوا و هوس کسانی پیروی مکن که [از دین] آگاهی ندارند.»

و بی شک همانندی با کفار از بارزترین دلایل مودت و محبت آنها است، محبت و مودتی که خداوند مؤمنین را از آن برحذر داشته و ابراز آن را سبب خروج از دایره اسلام معرفی نموده است؛ آنجا که می فرماید: ﴿يَتَّخِطُّ الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَإِنَّهُ مِنَّهُمْ﴾ (مائده ۵۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند. و هرکس از شما آنان را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود.» و می فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَن حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ﴾ (مجادله ۲۲)

«مردمانی را نخواهی یافت که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند و [در همان حال] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده اند، به دوستی برگزینند، هرچند که آنان پدران، پسران، یا برادران و یا اقوام و قبیله ایشان باشند.»

حال با روشن شدن این مطلب که نوروز عیدی است از اعیاد مجوسیان (آتش پرستان) با استناد به آیات و احادیث به بیان حکم بزرگداشت و جشن گرفتن این روز از نظر شریعت اسلام می پردازیم:

دلایل جایز نبودن تشبه به کفار در اعیادشان (الف) قرآن کریم:

خداوند می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ (فرقان ۷۲)
«و بندگان خدا کسانی اند که در مجالس زور (منحرف و نادرست) حضور پیدا نمی کنند و هنگامی که [اتفاقی] بر اهل باطل و سخنان پوچ و یاهو گذر کردند؛ با انکار از آنها روی گردانده و دور می گردند.»

ابوالعالیه، طاوس، ضحاک، ربیع بن انس و غیر ایشان الزور را به [اعیاد مشرکین] تفسیر نموده اند. و در روایتی از ابن عباس رضی الله عنه آمده است که می

فرماید: [منظور از الزور اعیاد مشرکین است.] (تفسیر ابن کثیر ج ۳ و کتاب اقتضاء الصراط المستقیم ج ۱)
هنگامی که خداوند شرکت نکردن در مجالس الزور را مدح فرموده است، شرکتی که صرفاً حضور دیداری یا شنیداری است و بس، همراهی کردن با آنها با انجام عمل الزور که حضور صرف در آن مجالس و استماع یا رؤیت تنها نیست، چه حکمی خواهد داشت؟ پس در حقیقت این آیه شرکت نجستن در اعیاد کفار را تشویق کرده است، و حضور در آن را بدان علت که خداوند آن را الزور نامیده، مکروه می داند.

ب) سنت رسول خدا ح

۱. انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: * * * قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِينَةَ وَلَهُمْ يَوْمَانِ يَلْعَبُونَ فِيهِمَا فَقَالَ مَا هَذَانِ الْيَوْمَانِ قَالُوا كُنَّا نَلْعَبُ فِيهِمَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَبْدَلَكُمْ بِهِمَا خَيْرًا مِنْهُمَا يَوْمَ الْأَضْحَى وَيَوْمَ الْفِطْرِ * * * (رسول

خدا ﷺ (پس از هجرت از مکه) به مدینه تشریف آوردند و اهالی مدینه دارای دو روز بودند [روز نوروز و مهرگان (یکی دیگر از اعیاد مجوسیان)] که در آن دو به بازی پرداخته و شادی می کردند. پیامبر ﷺ فرمود: این دو روز چیست؟ عرض کردند: ما در زمان جاهلیت در این دو روز به بازی و شادی می پرداختیم، رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند دو روز دیگر را به جای آن دو برایتان قرار داده است که خیر و نیکی دنیا و آخرت

در آن دو قرار دارد: روز عید قربان و روز عید فطر. (رواه ابی داود)

همچنانکه مشاهده می شود رسول خدا ﷺ آن دو عید را تأیید نفرمود، و آنها را به حال خود رها نکرد تا طبق معمول به بازی در آن دو روز بپردازد، بلکه فرمود: خداوند آن دو را برایتان با دو روز دیگر عوض کرده است. و تعویض چیزی با چیز دیگر اقتضا می کند که مورد دوم ترک شود، چرا که امکان جمع شدن مورد تعویضی با شیء تعویض شده وجود ندارد و بدین علت لفظ تبدیل و تعویض (در زبان عرب) استعمال نمی شود مگر آنکه جمع بین دو چیز ترک گفته شود.

پس این قول رسول خدا ﷺ که می فرماید: * * إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَبَدَلَكُمْ بِهِمَا خَيْرًا مِنْهُمَا * * اقتضا می کند که از جمع بین (نوروز و مهرگان) با دو عید (قربان و فطر) و انجام همزمان آنها خودداری شود.

۲. ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها می فرماید: «دَخَلَ أَبُو بَكْرٍ وَعِنْدِي جَارِيَتَانِ مِنْ جَوَارِي الْأَنْصَارِ تُغْنِيَانِ بِنَا تَقَاوَلَتِ الْأَنْصَارُ يَوْمَ بَعَاثَ قَالَتْ وَلَيْسَتْ بِمُغْنِيَتَيْنِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ أَمْرًا بِرِ الشَّيْطَانِ فِي بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَذَلِكَ فِي يَوْمِ عِيدٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا أَبَا بَكْرٍ إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا وَهَذَا عِيدُنَا وَفِي رِوَايَةٍ: يَا أَبَا بَكْرٍ إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا وَإِنَّ عِيدَنَا هَذَا الْيَوْمُ وَفِي رِوَايَةٍ: دَعَهُمَا يَا أَبَا بَكْرٍ فَإِنَّهَا أَيَّامُ عِيدٍ» (رواه بخاری و مسلم)

(ابوبکر رضی الله عنه داخل منزل شد در حالیکه دو کنیز (از کنیزان انصار) نزد من بودند که افتخارات و هجاهاى انصار در جنگ بعاث که بین دو قبیله اوس و خزرج رخ داده بود را به شکل آواز می خواندند، ولی غنا و آوازخوانی پیشه آنها نبود. ابوبکر رضی الله عنه گفت: آوازهای شیطان را در خانه رسول خدا می خوانید؟- و آن واقعه در روز عید بود- رسول خدا ﷺ فرمود: هر قوم و طایفه ای را عیدی است، و این (روز) عید ما (مسلمانان) است. و در روایتی چنین آمده: (برای هر قومی عیدی است، و عید ما (مسلمانان) این روز است) و در روایتی چنین آمده: (به حال خود رهایشان کن، چرا که ایام عید است.) و آن روزها ایام عید قربان بود. دلالت این حدیث بر بحث ما از چند جهت است:

۱. این قول رسول خدا ﷺ که می فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا وَهَذَا عِيدُنَا» واجب می گرداند که هر قومی عید اختصاصی خودش را داشته باشد، چرا که حرف * ل * در کلمه * لِكُلِّ * اختصاص را می رساند، خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلِكُلِّ وُجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيًا﴾ بقره ۱۴۸

«هر ملتی قبله ای دارد (که به هنگام نماز) بدانجا رو می کند.» می فرماید: ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا﴾ مائده ۴۸ «برای هر ملتی از شما شریعت و طریقی قرار داده ایم.» که این دو آیه بیان می کنند که هر قوم و ملتی باید قبله و شریعت اختصاصی خودش را داشته باشد. پس چنانچه یهودیان، مسیحیان، مجوسیان و کفار دیگر عیدی داشتند که مختص آنها بود، در آن شرکت نمی کنیم، همچنانکه در قبله و شریعتشان مشارکت نمی کنیم، همچنین از آنها دعوت به عمل نمی آوریم که در اعیاد ما مسلمین شرکت جویند.

۲. و این قول رسول خدا ﷺ که می فرماید: * وَهَذَا عِيدُنَا * اقتضا می کند که عید ما تنها آن عیدی باشد که رسول خدا ﷺ می فرماید. و همچنین در این قول پیامبر ﷺ که می فرماید: * وَإِنَّ عِيدَنَا هَذَا الْيَوْمُ * معرفه شدن کلمه * يَوْمٌ * با * ال * گرفتن و مضاف واقع شدن، مبالغه را می رساند و چنین اقتضا می کند که جنس عید ما باید تنها از نوع اعیاد مشروع باشد.

اجماع

۱. همچنان که معلوم است یهودیان، نصرانی ها و مجوسیان، در زمان صحابه رضی الله عنهم

و بعد از ایشان هم در شهرهای مسلمانان زیسته و به مسلمانان جزیه پرداخته و اعیاد خود را جشن گرفته اند؛ و به حکم فطرت بشری در درون مسلمانان نوعی تمایل نسبت به تقلید از اعمالی که آنها در اعیاد خود انجام می داده اند، موجود بوده است. ولی یقیناً شخصی که بر سیره مطلع باشد می داند که مسلمانان در زمان پیامبر ﷺ چنین کاری نکرده ان، بلکه روز عید کفار نزد ایشان و سایر مسلمانان روزی همانند دیگر روزهای سال بوده است، و هیچ عمل بخصوصی را در آن روز انجام نداده اند.

پس چنانچه دینی که مسلمانان از پیامبرشان ﷺ آموخته بودند، آنها را از انجام عمل خاصی در آن روز نهی کرده بود، ناگزیر باید اشخاصی در میان آنان پیدا می شد که بعضی از افعال کفار را انجام دهد، زیرا همچنان که اشاره شد عادت آنها پیش از اسلام و کلاً فطرت بشر چنین اقتضا می کند. پس بدون شک آنها از جانب پیامبرشان ﷺ از شرکت در اعیاد آنها منع شده بودند.

۲. از شروط امام عمر رضی الله عنه که در زمان خلافتش بر اهل ذمه کتابی (یعنی یهود و نصاری) مقرر نمود و مورد اتفاق تمامی صحابه رضی الله عنهم و فقهای بعد از ایشان هم واقع شد، یکی این بود که: آنها حق ندارند در

سرزمینهای اسلامی آشکارا و در ملأ عام اعیاد خود را برپا نمایند. پس اگر اتفاق مسلمانان بر این است که از برپایی علنی عید کفار جلوگیری شود، چطور برای خود مسلمان جایز است که به برگزاری آن پردازد؟ آیا بزرگداشت آن اعیاد از سوی مسلمانان خطرناک تر از انجام آشکارای آن از سوی کفار نیست؟! آثار و روایات منقول از صحابه و علما

۱. امام عمر رضی الله عنه می فرماید: [اجتنبوا أعياد الله فی عیدهم] «در روز عیدشان از دیدار و اجتماع با آنها، پرهیز کنید.» در این فرموده از اجتماع با آنها نهی شده است. کسی که اقدام به برپایی و بزرگداشت عید آنها می کند چه حکمی خواهد داشت؟

۲. از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما به استناد صحیح روایت می کند که فرمود: [من بنی ببلاد الأعاجم و صنع نیروزهم و مهرجانههم و تشبه بهم حتی یموت و هو كذلك حشر معهم یوم القيامة] «هرکس در سرزمین کفار (مجوسی و غیره) سکونت گزیند و نوروز و مهرگان آنها را جشن بگیرد و همچنان بر این تقلید از آنها ادامه دهد تا از دنیا می رود، در روز قیامت با آنها محشور شده و از زمره آنان محسوب می

گردد.» آنگاه ابن تیمیه رحمته الله بعد از آوردن این اثر از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می فرماید: مقتضی این حکم این است که فرد بواسطه مشارکت کردن آنها در تمامی این امور کافر می شود. ۳. شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله در مجموع الفتاوی می فرماید: [حضور پیدا کردن در اعیاد کفار و همچنین انجام عبادت خاصی در این روز جایز نمی باشد، پس جایز نیست که در اعیاد مشرکین امر بخصوصی انجام گیرد مانند: روزه گرفتن در این روز، تعطیل نمودن کار و شغل، پخت غذای مخصوص به مناسبت این روز، پوشیدن لباس جدید، حمام رفتن و کوتاه نمودن مو به این مناسبت].

نکته

چنانچه فرض کنیم که یکی از علمای معتبر سلف یا یکی از امرا و خلفای عیدی را احداث کرده باشد و یا در یکی از اعیاد دینی یا دنیایی کفار شرکت جسته باشد، بنا به دلایل محکم شرعی عمل وی مردود است. چرا که بعضی از ائمه و خلفا اجتهاداتی داشته اند که مخالف حق بوده که علمای سلف بر آنها خرده گرفته و آنها را رد کرده اند، و قطعاً هیچ کس بعد از انبیاء از خطا و لغزش معصوم نیست و هرکس به کتب شرعی بویژه کتب فقهی نظر افکند، در خواهد یافت که همه اشتباه می کنند حتی صحابه رضی الله عنهم چه برسد به غیر ایشان.

امام شافعی رحمته الله می فرماید: [أَجْمَعَ النَّاسُ عَلَى أَنْ
مَنْ اسْتَبَانَتْ لَهُ سُنَّةُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ لَمْ يَكُنْ أَنْ
يَدْعُهَا لِقَوْلِ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ] (إعلام الموقعين ج ۲
ص ۲۳۶) (علما اجماع دارند بر اینکه چنانچه امری بر
شخصی آشکار شد که سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است،
حق ندارد آن را به خاطر سخن هیچ کس، ترک گوید).
و باز می فرماید: [لا قول لأحد مع سنة رسول الله] (سخن
هیچکس در برابر کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله اعتبار ندارد).
شبهاتی که مخالفین تحریم نوروز وارد می کنند.
از شبهاتی که مخالفان تحریم این اعیاد ذکر می
کنند، به دو مورد اشاره می کنیم:

۱. آنچه که شما عید می نامید و حرام
می دانید در حقیقت عید نیست بلکه فقط
بزرگداشت یا مناسبت و یادبودی است بر
خلاف اعیادی که در آنها اذکاری معین، نمازی
بخصوص و یا اموری از این قبیل برپا می شود.
جواب:

آنچه شما بزرگداشت یا مناسبت و یا یادبود وقایع
تکراری در سال، ماه و یا غیره می نامید، همان معنای
عید است.

چرا که عید همچنان که شیخ الاسلام ابن رحمته الله می
فرمایند: [اسم لما يعود من الاجتماع العام على
وجه معتاد عائد إما بعد السنة أو بعود الأسبوع
أو نحو ذلك] (اسمی است که بر اجتماعی عمومی

اطلاق می گردد که هر از چند گاهی با تجدید و نو
شدن سال، هفته و امثال آنها، تکرار می گردد.) که با
توجه به این تعریف مراسمی که هر از چند گاه به
عنوان عزاداری برپا می شوند هم شامل معنای عید
است.

پس به برگزار کنندگان نوروز و دیگر اعیاد کفار می گوییم:

آیا مگر هر ساله برای بزرگداشت نوروز بر سر سفره
هفت سین و یا هر مجلس و اجتماع بزرگ و کوچک
دیگر جمع نشده و از آن استقبال نمی کنید و مراسم
خاصی را برگزار نمی کنید؟

پس در حقیقت آنچه شما انجام می دهید عید است،
حال چه آن را عید بنامید و چه اسم دیگری بر آن بنهید،
چرا که حقیقت امر معتبر است نه اسمی.

مشاهده نموده ایم که بعضی زنا کرده و اسم دیگری
بر آن می نهند، ربا می خورند اما چیز دیگری به آن می
گویند، همچنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «يَشْرَبُ

نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي الْخَمْرَ يَسْمُونَهَا بِغَيْرِ اسْمِهَا»
(مردمانی از امت من شراب خواهند نوشید ولی با اسم
دیگری از آن نام خواهند برد.) (رواه نسائی)

۲. بعضی دیگر از مخالفین می گویند:
این بزرگداشت ها به مناسبت تجدید طبیعت،
آمدن بهار، تمام شدن سرما و اموری از این
قبیل است، که هدف از انجام آن تشبه به کفار

نیست، بلکه جزو عاداتی است که در شریعت
اسلام اصل بر حلال بودن آنهاست.
جواب:

۱. با توجه به تحقیقی که در اول بحث
آوردیم معلوم شد که بزرگداشت مناسبتهای
دینی همچون نوروز و کریسمس و مناسبتهای
دنوی همچون روز مادر، روز زن و روز جهانی
کودک از کفار اخذ شده است. و چنانچه فرض
کنیم که مسلمانان، خود عیدی بوجود آورده
باشند و هیچ کافری قبل از آنها آن را انجام
نداده باشد، این امر تشبه به آنها را نفی نمی
کند، چرا که احداث اعیاد شاد یا غمگین جهت
احیای مناسبتی معین، سنت و شیوه کفار است.

۲. برای تشبه به کفار شرط نیست که
شخص عملی را به این علت انجام دهد چون
کفار آن را انجام می دهند، بلکه همین قدر
کافی است که عمل انجام شده از امور
اختصاصی کفار بوده و از آنها اخذ شده باشد،
همچنانکه در این مورد در صفحات قبل قول
شیخ الاسلام ابن تیمیه را آوردیم.

اشکال تشبه به کفار در اعیادشان

اعیاد کفار به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. اعیاد دینی که از برگزاری آن قصد
تقرب به خداوند را دارند، مانند عید نوروز و
عید میلاد مسیح.

۲. اعیادی که در اصل جزو دین کفار بوده، ولی سپس به مراسم و عاداتی جهانی مبدل گشته است، مانند عید المپیک یونانی ها. که مشابهت مسلمانان به آنها در این نوع از اعیاد به دو شکل روی می دهد:

الف) شرکت جستن در اعیادشان
ب) انتقال آنها به سرزمینهای اسلامی، که این حالت قبیحتر از حالت قبلی است.

یکی دیگر از صور تشبه به کفار مشابه ساختن اعیاد مسلمین به اعیاد کفار است.

در مورد نوروز هم می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. برپایی چهارشنبه سیاه (چهارشنبه سوری)
۲. خانه تکانی و تعویض اثاثیه منزل
۳. پهن نمودن سفره هفت سین و جمع شدن دور آن و انتظار حلول سال نو را کشیدن
۴. تبریک گفتن سال جدید و ارسال کارت تبریک
۵. عیدی دادن و عیدی گرفتن
۶. دید و بازدید و سرزدن به اقوام
۷. پوشیدن لباس نو به مناسبت این عید
۸. تعطیل نمودن مغازه، مدارس و غیره
۹. مسافرت نمودن به مناسبت این روز

۱۰. انجام آیین سیزده بدر و بطور کلی هر عملی که به این مناسبت انجام شود.

چگونه از اعیاد کفار پرهیز کنیم

۱. اجتناب از حضور در آنها
۲. پرهیز از انجام اعمالی که در اعیادشان انجام می دهند.
۳. عدم استفاده از وسایل نقلیه ای که جهت حضور در عید بر آنها سوار می شوند.
۴. هدیه ندادن به آنها در ایام عید و ترک خرید و فروشی که از طریق آن به برگزاری عید می پردازند.

۵. کمک نکردن به مسلمانی که قصد تشبه به آنها در عیدشان را دارد. [یعنی اگر چنانچه مسلمانی در آن روز برخلاف عادت میهمانی برپا کرد، از حضور در میهمانی اش پرهیز شود، یا چنانچه مسلمانی در این ایام بر خلاف عادت چیزی را هدیه کرد، از قبول هدیه اش امتناع کرده - علی الخصوص هدیه ای که بر شباهت به آنها کمک می کند- و از فروش خوراک و پوشاکی که مسلمانان با استفاده از آن خود را شبیه کفار در عیدشان می گردانند، خودداری شود.]^{۱)}

ابن تیمیه الاقضاء ج ۲ ص ۹۱۵ - ۹۲۵)

تبریک نگفتن عید به آنها: امام ابن قی م رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ فرماید: [تبریک و تهنیت گفتن مراسم کفر مختص به آنها

به اتفاق حرام است، مثل اینکه شخصی عید را به آنها تبریک گفته و بگوید: عیدت مبارک، چنانچه گوینده این تبریک کافر نگردد، دست کم فعل حرامی را مرتکب گردیده و این گفته همچون تبریک گفتن سجده بردنشان برای صلیب است، بلکه چنین عرض تبریکی معصیت تر و نزد خداوند مبغوض تر است از اینکه به علت نوشیدن شراب و قتل نفس و ارتکاب زنا و امثال اینها به آنها تبریک گفته شود. [احکام اهل الذمه ج ۱ ص ۱۴۴ - ۲۴۴)

انواع مفاسد حاصل از تشبه به کفار در اعیاد

۱. همچنانکه اشاره شد اعیاد از جمله شرایع و آداب دینی است و موافقت با کفار در همه اعمال عید موافقت در کفر آنها، و موافقت در بعضی از فروع آن، موافقت در بعضی از شعب کفر است. و هیچ شکی در این نیست که همراه شدن با کفار در عیدشان به همراهی و موافقت با تمام کفر آنها منجر خواهد شد.
۲. آنچه کفار در عید انجام می دهند، معصیت خداوند است؛ چرا که یا ساخته دست خودشان بوده و یا به پیامبران نسبت داده اند و یا منسوخ گشته است، که در هر دو صورت

مسلمان با برگزاری آن عید دچار معصیت می گردد.

۳. برگزاری گوشه هایی از آداب عید کفار، به انجام بیشتر اعمال عیدشان منجر خواهد گردید، و آنگاه که آن عید مشهور شد عاثة مسلمین به برگزاری آن می پردازند و اصل آن را فراموش می کنند، تا آنجا که به عادت بلکه عید آنها مبدل گشته و همچون اعیاد دینی محسوب می گردد، بلکه آن قدر بر آن می افزایند که سرانجام به مرگ اسلام و حیات کفر خواهد انجامید.

۴. مشابهت با کفار در اعیادشان سبب سرایت رفتارهایی از جانب کفار خواهد شد که مورد لعن و نفرین خدا و رسولش هستند.

۵. مشابهت با کفار سبب بروز محبت و دوستی آنها می گردد، دوستی و محبتی که شخص را از دایره اسلام خارج می گرداند.

۶. به خاطر تعدد اعیاد و شروع پیش از موعد و خاتمه نیافتن سر وقت، زمان زیادی تلف می شود.

۷. در طول این مدت عده ای برای شادی خود، آرامش و آسایش را از افراد زیادی همچون کودکان، افراد مسن و بیماران سلب می کنند.

۸. چنین اعیادی سرمایه های کلانی را به هدر می دهد.

۹. به علت حاکم بودن فضای تفاخر و تکبر در جامعه، بر قشر فقیر جهت برگزاری این چنین اعیادی فشار زیادی وارد می شود.

۱۰. در چهارشنبه سیاه که به چهارشنبه سوری مشهور است، محیط زیست به شدت آلوده گشته، پول زیادی بدون کمترین فایده ای هدر می رود و افراد زیادی زخمی و یا کشته می شوند.

۱۱. غالباً در چنین اعیادی به جای ابراز محبت و به جای آوردن صله رحم که از خصوصیات اعیاد اسلامی است، جنگ و دعوا و کدورت به وجود می آید.

۱۲. اختلاط و بی بند و باری و فساد و دور شدن از انسانیت به اوج خود می رسد.

۱۳. مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر در این اعیاد افراد زیادی را بیمار کرده و یا به کام مرگ می فرستد.

حال برادر و خواهر مسلمانم! کدامیک از مواردی که در بالا بدان اشاره شد، واقعیت ندارد. اگر حقیقت دارند، آیا هیچکدام از آنها مورد تأیید اسلام است؟ اگر جواب منفی است، پس چطور این روز را جشن می گیری؟ اگر غذایی همچون سونامی نازل شده و تو را

هم در بگیرد، چه جوابی خواهی داشت؟ برادرم مگر نخواهی مرد؟ پس از مرگ و در گور تنگ و تاریک، در صحرای محشر و جهنم چه خواهی کرد؟ به کجا پناه خواهی برد؟

پس هم ظاهر و باطن خود را از تشبه به کفار تهی کن و هم به نیکوترین شیوه به ارشاد آنها پی بردار که به تقلید از کفار پرداخته اند.

چرا که تقلید از کفار جزو منکراتی است که زدودن آن بر حسب توان واجب است، همچنانکه رسول خدا ﷺ می فرماید: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ

بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ وَ لَيْسَ وَرَاءَهُ حَبَّةُ

خردل من الایمان» (هرکس در مؤمنان عمل یا قولی

را مشاهده نمود که شرع تقبیحش نموده بود، با دستش جلوی آن منکر را بگیرد، اگر نتوانست با زبانش (یعنی با موعظه و نصیحت) منکر آن شود، و چنانچه با زبان هم نتوانست پس با قلبش آن را انکار کند (بدین شیوه که به آن راضی نباشد و در باطن به انکار آن پردازد) که این مرتبه آخر ضعیف ترین شعبه ایمان و کم ثمرترین آن است و بعد از این مرتبه به اندازه دانه خردلی ایمان وجود ندارد).

و صلى الله و سلم على نبينا محمد و على آله وصحبه و سلم